

ابهام در سیگنال‌های ارسالی رافائل گروسی/بحران سازی جدید، راه‌حل خروج از بن‌بست نیست

میان ایران، اتحادیه اروپا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با تمام چالش‌ها و موانع موجود، بن‌بست غیرقابل عبوری وجود نخواهد داشت اگر اروپا به دیپلماسی متعهد بماند، آژانس به مسئولیت فنی خود عمل کند و سایه سنگین سیاست‌زدگی از سر این روابط برداشته شده و ارسال سیگنال‌های متناقض متوقف شود.

به گزارش خبرنگار گروه سیاست خارجی [ایرنا](#)، «تاکید بر یافتن راه‌حل دیپلماتیک» تازه‌ترین گزارش معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه از دور جدید گفت‌وگوهای خود با مقامات سیاسی اتحادیه اروپا در حاشیه سفر وزیر امور خارجه به ژنو است. گفت‌وگوهایی که روز دوشنبه ۶ اسفند در مقر اروپایی سازمان ملل متحد و در حاشیه نشست عالی رتبه کنفرانس خلع سلاح و شورای حقوق بشر برگزار شد و «کاظم غریب‌آبادی» آن را سازنده توصیف کرد. از سوی دیگر نشست وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا برای رایزنی درباره ایران و رسیدن به یک برنامه و رویکرد مشخص به دلیل غیبت مقامات کشورهای مهم این اتحادیه به ماه مارس آینده موکول شد. اتحادیه اروپا پیش از این و در بیانیه‌ای، ادعاهای خود درباره همکاری ایران با روسیه در جنگ اوکراین و نیز برنامه هسته‌ای ایران را تکرار کرد. رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم در اظهاراتی متناقض در توکیو، پایتخت ژاپن به تحلیل پرونده هسته‌ای تهران از نگاه خود پرداخت.

گرفتاری در ورطه تکرار و ابهام، شاید مناسب‌ترین توصیف از رویکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مدیرکل آن و کشورهای اروپایی درباره پرونده هسته‌ای و روابط با ایران باشد که به نظر می‌رسد بیش از هرچیز برآمده از گزاره‌های اشتباه، سیاسی و غیرفنی است که از سوی طرف‌های ثالث بر موضع‌گیری آن‌ها تحمیل می‌شود.

سیگنال‌های متناقض نهادهای بین‌المللی و موضع ایران

کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پس از نشست شورای وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا، در بروکسل از لغو جلسه شورای امور خارجه اتحادیه اروپا درباره ایران خبر داد. جلسه‌ای که به گفته وی قرار بود با یک جمع‌بندی جامع، ابتکارها و پیشنهادهای ملموسی ارائه دهد که بتواند رویکرد آینده اروپا را مشخص کند. لغو این جلسه با توجه به سفرهای مقامات کشورهای اروپایی به آمریکا و دیدار و گفت‌وگو با رئیس‌جمهور این کشور، چندان دور از انتظار نبود اما پرسش مهم این است که نتیجه دیدارهای مقامات اروپایی با رئیس‌جمهور آمریکا که مسیر آزموده فشار حداکثری علیه ایران را بار دیگر می‌آزماید؛ چه خواهد بود؟ آیا اروپا در تکمیل پازل دونالد ترامپ، بار دیگر در دایره امن انفعال قرار گرفته و اجازه یک‌تازی را به ترامپی خواهد داد که نماینده‌اش اخیراً به قطعنامه محکومیت روسیه در جنگ اوکراین رای منفی داد و مشخص شد کاخ سفید در تنش میان اروپا و روسیه، سمت مسکو ایستاده است.

ارسال سیگنال‌های متناقض از سوی کشورهای قاره سبز به ایران، با تاکید بر تداوم دیپلماسی و مذاکره از یک سو و صدور بیانه‌ای با ادعاهای تکراری هسته‌ای و ارسال سلاح به روسیه از سوی دیگر در ماه‌های اخیر وجود داشته و این روند در سخنان اخیر مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم به نوعی مشابه تکرار شده است.

رافائل گروسی دوم اسفند و در تازه‌ترین تریبون در اختیار خود در توکیو ژاپن بار دیگر پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را گشوده و دوباره ادعاهایی درباره جزئیات آن مطرح کرده است. «رافائل گروسی» در این اظهارات به طور مشخص برجام را مورد توجه قرار داد و آن را پوسته توخالی توصیف کرد که کارایی خود را از دست داده است.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین در این نشست مدعی شد که ایران غنی‌سازی اورانیوم را تا سطح ۶۰ درصد انجام داده که تقریباً به سطح تسلیحاتی رسیده است و «آنگونه که آژانس انتظار دارد همکاری نمی‌کند».

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین ۲۶ بهمن و در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ با اشاره به پیشرفت‌های هسته‌ای ایران و ضرورت تسریع در روند دیپلماسی، گفته بود که برای رسیدن به توافق هسته‌ای جدید با تهران باید سریع اقدام کرد. این ادعاها با همین ترتیبات و ادبیات از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا هم تکرار و

البته با واکنش مقامات ایرانی روبرو شده است.

در پاسخ به این ادعاهای قابل تأمل «حسین غریب‌آبادی» معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه به چند محور مهم اشاره کرده است:

۱- غنی‌سازی با هر میزان و در هر سطحی هیچ محدودیتی در NPT (معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای) ندارد.

۲- ایران بر اساس تعهدات و منافع خود و نه تمایلات طرف‌های دیگر تصمیم گرفته و عمل می‌کند.

۳- ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، اصل غیرقابل تغییر در فعالیتهای مربوط به این برنامه است.

سازمان انرژی اتمی هم در پاسخ به این اظهارات و ادعاهای گروسی تصریح کرده است: اظهارات مدیرکل نهاد بی‌طرف و بین‌المللی باید بی‌طرفانه باشد که متأسفانه درباره گروسی اینگونه نبوده است. این رفتار و گفتار غیر حرفه‌ای می‌تواند بهانه فشارهای تازه علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا قرار گیرد. اصل حقوقی برائت باید درباره ایران و پرونده هسته‌ای تهران هم مورد اعمال قرار گیرد و ثابت کردن موضوعی بر عهده مدعی آن موضوع است.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در انتهای تمام اظهارات اشاره شده، جمله‌ای گفته است که بهترین نشانگر تناقضات موجود در گفتار و عملکرد وی و این نهادها است: «آخرین سفرم به تهران در ماه نوامبر سازنده بود و درباره امکان توقف غنی‌سازی در سطوح بالا و برخی جزییات فنی گفت‌وگو کردم». مدیرکل این نهاد بین‌المللی درحالی از سازنده بودن این سفر و همراهی ایران سخن گفته است که شورای حکام آژانس پس از این سفر در آخرین نشست خود قطعنامه‌ای سیاسی و غیرفنی علیه ایران صادر و جمهوری اسلامی را وادار به پاسخ کرد. ایران سانتریفیوژهای جدید و پیشرفته خود را راه‌اندازی کرد تا بیشتر از پیش ناکارآمدی این قطعنامه‌ها عیان شود. گروسی در حالی در نشست خود در توکیو مدعی نزدیکی ایران به غنی‌سازی تسلیحاتی شده است که پیش از این و در نشست خود در داووس، به صراحت تأکید کرده بود که ما هیچ شواهدی دال بر این نداریم که ایران در حال ساختن سلاح هسته‌ای است.

آژانس و مدیرکل و اتحادیه اروپا از این دست اظهارات ضدونقیض در طول سال‌های گذشته کم نداشته‌اند اما چرا اعضای این نهادهای

بین‌المللی چون آژانس و اتحادیه اروپا نمی‌توانند موضعی مشخص و شفاف درباره پرونده هسته‌ای ایران اتخاذ کنند؟ دلیل این همه تناقض در رفتار و گفتار گروسی را می‌توان در فاصله بسیار واقعیات موجود و افسانه‌های ساخته و پرداخته رژیم اسرائیل در قبال برنامه هسته‌ای ایران دانست.

واقعیت موجود در میدان این است که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به تصریح «محمد اسلامی» رئیس سازمان انرژی اتمی تنها ۳ درصد ظرفیت جهان است اما بازرسی‌ها از این برنامه ۲۲ درصد کل بازرسی‌های جهان را تشکیل می‌دهد که این حجم در طول تاریخ از هیچ کشوری انجام نشده است.

ایران گسترده‌ترین، بی‌سابقه‌ترین و شفاف‌ترین همکاری را در سه دهه گذشته با این نهاد داشته و به تصریح گزارش‌های آژانس نخستین کشوری بوده که در جریان اجرای تعهدات برجای خود، سامانه پایش آنلاین درجه غنی‌سازی (اُلِم) و دوربین‌های فراپادمانی در تاسیسات هسته‌ای نصب کرده و بیشترین همکاری را در بازرسی‌ها داشته است. به اذعان رسانه‌های غربی تعداد بازرسی‌ها از سایت‌های هسته‌ای ایران رکورددار بازرسی‌ها بوده است.

همراهی گسترده ایران و آژانس بخشی از واقعیت کمی است و بخش دیگر، گرچه کیفی‌تر از آن است که غرب به درک عمیقی از آن برسد مبتنی بر قواعد شریعت و فتوای رهبر معظم انقلاب است که هرگونه استفاده از سلاح کشتار جمعی برای مسلمانان را حرام شرعی اعلام کرده است.

مجموعه‌ای از واقعیت‌ها و نقاشی‌هایی که «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل برای غرب توضیح داده و تصویر کرده، متفاوت است و اکنون مدیرکل آژانس در میانه‌ای از واقعیات و خواسته‌های این رژیم درباره برنامه هسته‌ای ایران اظهارنظر می‌کند و غرب در هاله‌ای از ابهام درباره نحوه رفتار خود با جمهوری اسلامی ایران تصمیم می‌گیرد. بخش دیگری از اظهارنظرهای متناقض مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بیانیه اتحادیه اروپا درباره توافق برجام است. سندی که قرار بود روابط هسته‌ای

ایران و این نهاد را تنظیم و چالش‌های آن را مدیریت کند تا هم نگرانی‌های واقعی این نهاد از صلح آمیز بودن این برنامه مرتفع شده و هم تحریم‌های غیرقانونی اعمال شده علیه تهران، به بهانه همین برنامه، از میان برداشته شود.

این سند اما قربانی مجموعه‌ای از زیاده‌خواهی‌های رئیس‌جمهور وقت (کنونی) آمریکا و تردید دیگر طرف‌های حاضر در اجرای تعهدات خود شد. اردیبهشت سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸ میلادی) زمانی که «دونالد ترامپ» یادداشت خروج از برجام و بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران شد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اتحادیه اروپا تنها به صدور بیانه و اظهار تاسف بسنده کرد و اکنون در متناقض‌ترین حالت خود، برجام را پوسته‌ای خالی توصیف می‌کند بی‌آنکه اعلام کند این سند را چه کسی از حیث انتفاع ساقط کرد. جمهوری اسلامی برای حراست از این سند و ماندن بر سر تعهدات خود از ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ تا ۱۸ اردیبهشت ۹۸ تمام صبر استراتژیک خود را به کار گرفت و در نهایت با تداوم تعلل از سمت طرف‌های دیگر منافع ملی خود را بر این توافق برگزید و اقدام به کاهش تعهدات برجامی کرد.

تهران حتی در این مرحله هم بر مبنای حقوق قانونی خود پیش رفت و در فواصل مشخص و متعدد از طرف‌های دیگر خواست به تعهدات خود عمل کنند. با چنین تاریخچه‌ای از رویدادهای رفته بر برجام، طبیعتاً امروز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سطح سال ۲۰۱۵ نیست. عبور از سند برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) هم از سوی ایران و هم غرب نقطه مشترکی به نظر می‌رسد اما سوالی که در میانه این اظهارات نیازمند بررسی است؛ دلیل این عبور یا به تعبیر مدیرکل آژانس خالی شدن برجام از اعتبار چیست؟ تا زمانی که دلایل عبور از برجام و مقصران این عبور مشخص و تبعات آن آسیب‌شناسی نشود، نمی‌توان تضمینی برای اجرای اسناد و توافقات آینده متصور بود.

مسیری که بن‌بست نیست

میان ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اتحادیه اروپا با تمام چالش‌ها و موانع موجود، بن‌بست غیرقابل عبوری وجود نخواهد داشت اگر سایه سنگین سیاست‌زدگی از سر این روابط برداشته شود. تجربه برجام حتی اگر پوسته‌ای از آن باقی مانده باشد، به اندازه‌ای روشن و کارگر بوده که بتواند بار دیگر به فرمول اعتمادساز میان دو طرف تبدیل شود. تهران و بروکسل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک انتظار مشخص از یکدیگر را سه دهه به شکل‌های مختلف اعلام و در پی

راهکارهای مختلف بوده‌اند.

برای این اعتمادسازی فرمول برجام مسیری با کمترین هزینه و بیشترین بازدهی است. برجام سال ۲۰۱۵ را مجموعه از معادلات و معاملات طرفهای حاضر به یکی از مهمترین توافقات صد سال اخیر تبدیل کرد (به اذعان مقامات اروپایی) این معادلات قابلیت تکرار خواهند داشت اگر اتحادیه اروپا سیاست منسوخ چماق و هویج را کنار گذاشته و به صورت شفاف پای میز گفت‌وگو بنشیند. موضوعی که ضرورت آن از سوی بسیاری از تحلیلگران داخلی اعلام می‌شود.

«عبدالرضا فرجی‌راد» سفیر اسبق ایران در نروژ و مجارستان یکی از این تحلیلگران است که معتقد است: باید مذاکرات با اروپا با سرعت بیشتری و در فاصله زمانی کوتاه‌تری ادامه یابد. حل و فصل مشکلات فرعی و کوچک در روابط با اروپا می‌تواند به اعتمادسازی بهتر کمک کند. به نظر می‌رسد در آینده نزدیک روابط اروپا و آمریکا تیره‌تر خواهد شد و باید روندی در پیش گرفته شود که حتی‌المقدور دو طرف ایرانی و اروپایی به توافقاتی برسند و فضایی بهتر برای فعالیت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر اساس توافقات انجام‌شده فراهم گردد تا امکان تفاهم افزون گردد.